

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و ارزش شرکت با استفاده از شاخص Q توبین پرداخته است. اطلاعات مورد نیاز برای یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ جمع آوری شد. جامعه آماری این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد، که به سه قسمت تقسیم شده است. در قسمت اول با استفاده از روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک ۸۱ شرکت انتخاب شدند، و در قسمت های بعدی در دو صنعت خودرو و شیمیایی کل شرکت هایی که در این صنایع بودند و اطلاعات قابل دسترس داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. که شامل ۳۰ شرکت در صنعت شیمیایی و ۲۶ شرکت در صنعت خودرو شد. در این تحقیق اثر متغیرهای مختلف مدیریت سرمایه در گردش شامل متوسط دوره وصول مطالبات، متوسط دوره گردش موجودی کالا، متوسط دوره پرداخت بدهی و چرخه تبدیل وجه نقد را بر Q توبین مورد مطالعه قرار داده ایم. و از متغیرهای اندازه شرکت، رشد فروش، رشد GDP و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شد. برای طبقه بندی و پردازش اولیه داده ها از نرم افزار Excel استفاده شده است. سپس تحلیل فرضیات تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews انجام گرفت.

نتایج تحقیق نشان می دهد که در کل صنایع بورس بین متوسط دوره وصول مطالبات، متوسط دوره گردش موجودی کالا، متوسط دوره پرداخت بدهی و چرخه تبدیل وجه نقد و شاخص Q توبین رابطه معکوس وجود دارد. در صنعت خودرو بین متوسط دوره وصول مطالبات، متوسط دوره پرداخت بدهی و شاخص Q توبین رابطه معکوس وجود دارد و رابطه معناداری بین متوسط دوره گردش موجودی کالا، چرخه تبدیل وجه نقد و شاخص Q توبین وجود ندارد. در صنعت شیمیایی بین متوسط دوره وصول مطالبات، متوسط دوره گردش موجودی کالا، متوسط دوره پرداخت بدهی و چرخه تبدیل وجه نقد و شاخص Q توبین رابطه مستقیم وجود دارد.

کلمات کلیدی: مدیریت سرمایه در گردش، ارزش شرکت، شاخص Q توبین، متوسط دوره وصول مطالبات، متوسط دوره گردش موجودی کالا، متوسط دوره پرداخت بدهی، چرخه تبدیل وجه نقد.